

دکتر بروس والتکه، مزامیر، سخنرانی ۲۷

بروس والتکه و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر بروس والتکه در حال تدریس در مورد کتاب مزامیر است. این جلسه ۲۷، ژانر مزامیر حکمت، مزمور ۱۹ است.

در سخنرانی قبلی، این ژانر را معرفی کردیم و اساساً مربوط به مزامیر است که به ما هشدار می‌دهند، چه مزامیر ایجابی و چه مزامیر تئودیکی که به ما هشدار می‌دهند که به رفاه شریران حسادت نکنیم.

و سپس به بررسی مزمور پرداختیم. در سخنرانی‌های قبلی، مزمور ۱، حکمت و تورات را کنار هم قرار داده بودیم، زیرا مزامیر تورات نیز نصیحت و آموزش هستند. و بنابراین، به اولین سخنرانی در مورد مزمور ۱، که یک مزمور تورات بود، پرداختیم.

و ما به مزامیر تئودیک مانند مزمور ۴۹ و مزمور ۷۳ نگاه کردیم. و بنابراین فکر کردم مزمور دیگری مانند مزمور ۱۹ بنویسیم که یک مزمور تورات و یک مزمور آموزشی است. و ساختار اساسی آن را دیدیم که خدا را در خلقت و وحی عمومی ستایش می‌کند و خدا را به خاطر تورات و وحی خاص ستایش می‌کند.

و من فکر می‌کنم بین این دو رابطه‌ای وجود دارد. این فقط ستایش دو نوع وحی نیست. بلکه فکر می‌کنم نکته‌ی اصلی این است که به دلیل دانش او در وحی عمومی، او قادر است وحی اخلاقی خاصی را در کتاب مقدس ارائه دهد.

بنابراین فکر نمی‌کنم فقط دو جنبه از ستایش باشد. فکر می‌کنم آنها در تفکر خردمندانه کاملاً متحد هستند. من سعی کردم این را از ایوب ۲۸ و امثال باب ۳۰ نشان دهم که این دو را در کنار هم قرار می‌دهد.

و این همان چیزی است که خدا تمام آسمان‌ها را می‌داند و بنابراین ترس از خداوند، چیزی است که در ایوب دیدیم زیرا او همه چیز را می‌داند. بنابراین، آنچه او می‌گوید این است که ترس از خداوند را حفظ کنید. و در اینجا، زیرا او همه چیز را آفریده است، دوباره در اینجا، ترس از خداوند را خالص و پایدار برای همیشه می‌بینیم.

بنابراین، به نظر می‌رسد که این نوعی منطق متفکر خردمند است. اکنون می‌خواهیم با جزئیات بیشتری به آن نگاه کنیم و مزمور را تفسیر و شرح دهیم. و این در صفحه ۳۳۱ است.

و ما با بند اول شروع می‌کنیم، دانش خدا یا علم مطلق او که در خلقت نشان داده شده است. در واقع این باید آیات یک تا شش باشد، نه فقط آیات یک تا چهار، بلکه دانش خداست. و کاری که من اینجا انجام می‌دهم این است که به مزمور از دیدگاه تفسیری نگاه می‌کنم.

و از آنجایی که ما رویکرد آخرالزمانی مسیحایی داشتیم، من سعی می‌کنم آن را در پرتو عهد جدید نیز بررسی کنم. و سپس به آن نگاه می‌کنم و اینکه امروزه برای ما شخصاً چه معنایی دارد؟ بنابراین، من این را به تفسیر تاریخی تقسیم کردم. سپس این چگونه به مسیح مربوط می‌شود؟ و سپس چگونه آن را در کاربرد برای در واقع، فلک B خودمان درک می‌کنیم؟ اول از همه، در آیات یک تا چهار داریم که فلک اعلام می‌کند، 4. جلال خدا را اعلام می‌کند و جلال خدا دانش جامع اوست.

اینجا دو واحد وجود دارد. در واقع، دانش خدا در این بند، در واقع دو مصراع دارد. مصراع اول این است که فلک خدا جلال یا دانش خدا را اعلام می‌کند.

و سپس او به طور خاص بر پسر در نیمه آخر آیه چهارم تا آیه ششم تمرکز می‌کند. حالا که صحبت از خدا شد، اجازه دهید مزمور را اینجا جلوی خودم بگذارم. در آن مصراع اول درباره فلک، دانش خدا اعلام می‌شود و این چیزی است که به او جلال می‌دهد این است که او در آیات اول و دوم درباره جهانی بودن زمانی، ستایش فلک از دانش خدا صحبت می‌کند.

در آیه دوم می‌توانید ببینید، روز به روز کلام را جاری می‌کند و شب به شب دانش را آشکار می‌سازد. بنابراین هم روز و هم شب، همیشه، همیشه، او جلال و دانش خود را آشکار می‌کند. در آیه چهارم، او درباره، جهان‌شمولی خود در فضا، جهان‌شمولی مکانی خود در ستایش آسمان صحبت می‌کند.

او می‌گوید، صدای آنها در سراسر زمین و سخنانشان تا اقصای جهان و سخنانشان تا اقصای جهان می‌رسد. بنابراین آیات اول و سوم افعال اعلام هستند. بنابراین او آسمان‌ها را وامی‌دارد تا جلال خدا را اعلام کنند.

آسمان بالای سر، کار دست او را اعلام می‌کند. و سپس در بیت سوم، او توضیح می‌دهد که هیچ سخنی وجود ندارد. هیچ کلامی وجود ندارد.

هیچ صدایی شنیده نمی‌شود. بنابراین، او در آیات فرد درباره ارتباط صحبت می‌کند. و سپس در آیات زوج، درباره جهانی بودن آن وحی در زمان و مکان صحبت می‌کند.

در مصراع دوم، او بر خورشید تمرکز می‌کند که باز هم در فضا جامع است. خورشید، البته، روزانه و در فضا است. در بیت ششم، از اقصای نقاط زمین طلوع می‌کند و مدارش تا انتهای آنها ادامه دارد.

و بنابراین، کل ماجرا را می‌بیند. پایانی برای آن وجود ندارد. و او در این مورد از دو استعاره یا تشبیه استفاده می‌کند.

یکی اینکه او خورشید را به عنوان داماد به تصویر می‌کشد. و این تشبیه به من القا می‌کند که از تازگی، نو بودن، زیبایی، قدرت و شادی خورشید صحبت می‌کند. و دوم اینکه، او مردی قوی است.

و از نظر من، او یک مسابقه‌دهنده است که مسیرش را با شادی می‌دود. و بنابراین، او هم یک دهنده سرعت است زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند به سرعت خورشید بدود و هم یک دهنده مسافت‌های طولانی است.

هیچ‌کس نمی‌تواند تا خورشید بدود. بنابراین، این دو تشبیه از شور و شوق او سخن می‌گویند و از قدرت و جهانی بودن او حکایت می‌کنند. تا جایی که به مسیح اشاره دارد، به نظر من، در یوحنا ۱، مسیح کلمه‌ای است که خلقت را به وجود آورده است، که او عامل خلقت است که از طریق او خلقت به انجام می‌رسد.

و نکته‌ی اخلاقی، فکر می‌کنم اینجا همان چیزی را که در مزمور ۸ گفتیم، مطرح کنم: این وحی آنقدر باشکوه است که شما هیچ بهانه‌ای برای پاسخ ندادن به خالق ندارید. اما همینقدر کافی است که بگوییم، من تفسیر جوزف ادیسون از مزمور ۱۹ را دوست دارم، آنچه که اگرچه در سکوتی سنگین به دور گوی تاریک زمینی می‌چرخد. اگرچه هیچ صدا یا آوای واقعی در میان گوی‌های درخشان آنها یافت نمی‌شود.

در گوش عقل، همه آنها شادی می کنند و صدایی باشکوه را به گوش می رسانند. و من فکر می کنم که بشر مانند کانت، بی واسطه از خدا با او سخن گفت. اگرچه صدایی وجود ندارد، هنوز صدایی به گوش عقل نرسیده است، ما آن را می شنویم و می بینیم.

آه، باید اضافه می کردم، اگرچه در سکوتی سنگین، همه به دور گوی تاریک زمینی در حرکتند. اگرچه هیچ صدا یا آوای واقعی در میان گوی های تابناکشان یافت نمی شود، اما در گوش خرد، همه آنها شادمانند و صدایی باشکوه را که تا ابد می خواند، در حالی که می درخشند، سر می دهند.

دستی که ما را آفریده الهی است. پس از سخن گفتن از جلال خدا در آفرینش و دانش او، اکنون به فضیلت اخلاقی تورات می رسیم. او اساساً تقریباً واژگان تورات را به پایان می رساند.

من این را به دو بخش تقسیم کردم، جوهره تورات و پاداش تورات. جوهره او کمالات اخلاقی آن است. کامل است، بی عیب و نقص است، درستکار است، جاودانه است.

، اساساً پاداش حکمت، که خود زندگی است، صحبت می کنیم. اما توجه کنید که چگونه او آن را در کمالش در هفت کمالش توصیف می کند. او می گوید، اول از همه، شریعت خداوند کامل است، که منظورش از آن کامل بودن است.

و من نظرات اسپورجن را دوست دارم. او گفت اضافه کردن به آن جرم، تغییر دادن آن خیانت و برداشتن از آن جنایت است. نقل قول جالبی در این مورد است.

این اسپورژن است. درس خوبی برای موعظه توضیحی. ببخشید؟ درس خوبی برای موعظه توضیحی.

آره. و من از اون یکی خوشم میاد، آره، عالیه. وقتی میگه مطمئن، یعنی کاملاً قابل اعتماد.

و من معتقدم که کاملاً مطمئن و کاملاً قابل اعتماد است. شهادت خداوند قطعی است زیرا مبتنی بر دانش جامع است. مبتنی بر دانش جهانی است.

سپس می گوید که این درست است. فرمان خداوند درست است. ما قبلاً در مورد آن توضیح دادیم، که یعنی بی عیب و نقص است.

هیچ خمیدگی یا پیچشی ندارد. کاملاً صاف و مستقیم است. بی عیب و نقص است.

وقتی می گوید خالص است، منظور کلمه عبری این است که آنقدر صیقل داده شده تا برق بزند. آنقدر خالص است. پس به همین دلیل است که روشن می کند.

این ناب است. سپس او می گوید، و او گفت، شریعت خداوند کامل است. کاملاً بی نقص است.

کامل است. مطمئن است، کاملاً قابل اعتماد است. هیچ نقصی در آن وجود ندارد.

در واقع، آنقدر آن را می شویند تا برق بزند. سپس می گوید، تمیز است. منظورش این است که هیچ مخلوطی در آن نیست.

و چون هیچ ناخالصی در آن نیست، تا ابد پایدار می ماند. هیچ چیزی نیست که آن را فاسد کند. ۹. ب، او می گوید، احکام خداوند حق است، که منظورش این است که آنها ثابت هستند.

آنها ثابت هستند. برخلاف احکام انسانی، نمی توان آنها را لغو کرد. بنابراین قانون او تغییرناپذیر است.

درست است. نمی توان آن را تغییر داد. و این درست است.

این کاملاً با شخصیت و اراده ی خدا مطابقت دارد. اینها هفت فضیلت اخلاقی کلام خدا هستند. پس چرا، خیلی از مردم از موعظه کردن آن می ترسند؟ البته، فکر می کنم دلیلش این است که، فکر می کنم، می دانید فکر می کنم ما می خواهیم مردم را راضی کنیم و چیزی را موعظه می کنیم که فکر می کنیم مردم می خواهند بشنوند.

فکر می کنم ما می خواهیم کلیساها را رشد دهیم. و بنابراین، می خواهیم مردم را جذب کنیم و به آنها چیزی را بگوییم که می خواهند بشنوند. فکر می کنم دلیلش همین باشد.

کلیساها را بزرگ کنید نه آدم ها را. همین کافی است. بله، فکر می کنم درست است.

این عبارت خوبی است. او می گوید پاداش تورات این است که روح را زنده می کند. مانند مزمور ۲۲، این باعث تجدید حیات می شود.

من پیشنهاد می کنم که این [سرود] زندگی را به افراد غمگین و دلسرد بازمی گرداند. برای مثال، از کاری که عوبید برای نعومی انجام خواهد داد، استفاده می شود. او زندگی شما را تجدید می کند و در پیری از شما حمایت خواهد کرد.

بنابراین، کلام خدا شما را تازه می کند، شما را تازه می کند. من فکر می کنم به همین دلیل است که خواندن آن هر روز صبح برای ما خوب است. این شهادت خداوند است که ساده لوح را حکیم می سازد.

به عبارت دیگر، حکمت مهارت است، مهارت های زندگی بخش و اجتماعی می دهد. بنابراین، به ما مهارت زندگی ابدی می دهد و این کار انجام می شود. و در اینجا کلمه عبری همان کلمه ای است که در امثال آمده است، اما ساده.

کلمه «پتی» در امثال، منفی است. او بخشی از احمق است. معنای اصلی این کلمه، پذیرا بودن است. بنابراین، احمق پذیرای همه چیز است و به هیچ چیز متعهد نیست. در مزامیر، این بسیار متفاوت است. ساده لوح پذیرا است. او پذیرای آموزش های خداست. او پذیرای یادگیری است. او پذیرای رشد است.

بنابراین، جای تأسف است که مجبوریم آن را ساده ترجمه کنیم. این کلمه ای حکیمانه است، اما در این دو کتاب به روش های بسیار متفاوتی استفاده شده اند. این کلمه دل را شاد می کند.

و البته، این مستلزم یک قلب سالم است. و من می گویم که هر هنری دو بخش دارد. من فکر می کنم که هر هنری دو بخش دارد.

یک تصویر عینی واقعی با شکل و رنگ وجود دارد، و شما همچنین تخیل خاصی را به آن اضافه می کنید. و بنابراین، هر کسی آن را متفاوت می بیند. بنابراین، شما به هنر می رسید، این یک تجربه عینی و ذهنی است.

و بنابراین، واقعیت وجود دارد، واقعیت عینی، اما نحوه‌ی دیدن آن به قلب شما بستگی دارد. اگر قلب شما درست باشد، از آن شاد خواهید شد. اگر قلب شما درست نباشد، از آن شاد نخواهد شد.

ازش متنفر خواهی شد. مثلاً به نقاشی مونالیزا فکر می‌کنم. قرار است یکی از بزرگترین نقاشی‌هایی باشد که تاکنون خلق شده است.

فکر می‌کنم اثر داوینچی باشد. اگر به جذابیت این مکان توجه کنید، متوجه می‌شوید که پر از آدم است که به آن نگاه می‌کنند. چیزی که مردم را در مورد مونالیزا مجذوب می‌کند، سبک آن است.

این یه جورایی آرمان‌گرایانه‌ست. یه جورایی معماست. چطور می‌فهمیش؟ و مردم هم جور دیگه‌ای می‌بیننش.

حالا، امیدوارم نقاشی را برای شما خراب نکنم، اما داشتم می‌خواندم که مردم چگونه به آن واکنش نشان می‌دهند و همه سعی می‌کنند لبخند روی صورت مونالیزا را توضیح دهند. و این زن گفت، من می‌دانم آن لبخند چیست. این لبخند دختر کوچک من است که در وان حمام ادرار می‌کند.

بنابراین، او همان لبخند را روی صورت دخترش در آن موقعیت دید. او تخیل کاملاً متفاوتی را به آن تصویر آورد. و من فکر می‌کنم، خب، به هر حال، اکثر ما هم همین را به آن اضافه می‌کنیم.

سپس می‌گویند که چشم را روشن می‌کند و این به این دلیل است که پاک و درخشان است و دستورات آن چشم‌ها را روشن می‌کند. سپس می‌گویند که، آیه ۱۰، آنها از طلا، حتی طلای ناب، مطلوب‌ترند. همانطور که هنگام کار با امثال سلیمان گفتم، طلا می‌تواند غذا سر سفره بیاورد، اما نمی‌تواند دور سفره رفاقت ایجاد کند.

آن طلا می‌تواند به شما خانه بدهد، اما نمی‌تواند مسکن بدهد. آن طلا می‌تواند به یک زن جواهرات و خز بر پشتش بدهد، اما نمی‌تواند عشقی را که واقعاً می‌خواهد به او بدهد. بنابراین، خرد به شما خانه می‌دهد، هم خانه و هم خانه.

به شما سفره‌ای پر از غذا و همچنین رفاقت دور میز می‌دهد. به یک زن هم تجمل و هم عشقی را که واقعاً می‌خواهد، می‌بخشد. بنابراین، هر دو را انجام می‌دهد.

سپس می‌گویند، از چک‌های کندوی عسل شیرین‌تر است. این به مذاق سالم می‌آید. در حالی که دیدیم شورشیان در مزمو ۲ آن را به عنوان یک اسارت طاقت‌فرسا می‌دیدند.

بنابراین، او به عنوان یک قدیس، همانطور که یک قدیس به تورات و فواید آن نگاه می‌کند، پاسخ می‌دهد. او در ادامه می‌گوید که به وسیله آنها بنده تو از گناه برحذر داشته می‌شود و رعایت آنها پاداش بزرگی دارد، از جمله تمام آنچه که ما خواندیم. این او را به سوی دو دعایش هدایت می‌کند، همانطور که بنده تو به او هشدار داده است.

و اولین دعای او برای گناهان پنهان است، دو درخواست. یک درخواست برای گناهان پنهان. آن در آیه ۱۲ است.

و دیگری این است که از مردان گستاخ دور نگه داشته شود. و فکر می‌کنم این آیه ۱۳ باشد. پس مورد اول برای گناهان پنهان است.

و از آنجایی که آنها پنهان هستند، نمی‌توانید آنها را اعتراف کنید. با این حال می‌دانیم که گناه می‌کنیم بنابراین، من و الین هر روز صبح را با مراسم عشای ربانی خود شروع می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم که همه گناهان ما را ببخشد.

اگر گناه خاصی را می‌شناسیم، پس مسئولیت داریم که آن را نام ببریم و از آن دست بکشیم. اما ما آنقدر فاسد هستیم که تقریباً در فکر، کلام و عمل، با آنچه انجام داده‌ایم و آنچه انجام نداده‌ایم، علیه خدا گناه می‌کنیم. و ما دائماً به بخشش نیاز داریم.

داوود می‌گوید، و این دعا مستجاب می‌شود، که خدا گناهان پنهان ما را می‌بخشد، زیرا این بخشی از قانون الهی می‌شود. بنابراین، من فرض می‌کنم که این پاسخ خدا به داوود است، از آنجایی که این در قانون الهی برای مدیر موسیقی قرار داده شده است، همه ما می‌توانیم آن را دعا کنیم و مطمئن باشیم که خدا گناهان پنهان ما و همچنین گناهان آشکار اعتراف شده ما را می‌بخشد. من می‌گویم، از آنجایی که آنها پنهان هستند، ما نمی‌توانیم آنها را انکار کنیم و به خدا اعتراف کنیم.

دومین درخواست او این است که خداوند او را از حکومت مردان گستاخ بازدارد. و ما قبلاً در مورد آن صحبت کرده‌ایم. در اینجا پیشنهاد می‌کنم که هیچ‌کس از خطر ارتداد در امان نیست.

و فکر می‌کنم وقتی سرود را می‌خوانیم، این را ابراز می‌کنیم، مستعد سرگردانی، پروردگارا، من آن را حس می‌کنم فکر می‌کنم همه ما می‌دانیم که برای پایداری در ایمان، لطف خدا لازم است. وقتی او می‌گوید، دلیل آن را بیان می‌کند.

من کجای ترجمه هستم؟ اینجا یه مکثی بهم بده تا ترجمه رو جلوی چشمم بیارم. اون تو کدوم صفحه بود؟ آره. ۳۲۸.

بسیار خوب. دومین درخواست او، پس از آنکه از خدا خواست گناهان پنهانش را ببخشد، در آیه ۱۳ می‌گوید، بندهات را نیز از گستاخان دور نگه دار. و من اشاره کردم که هیچ‌کس از خطر ارتداد در امان نیست.

و فکر می‌کنم مناسب است که اینجا اضافه کنم بدون کمک خدا، هیچ‌کدام از ما حریف شیطان نیستیم. پشت سر مرتد، شیطان و نیروهای اهریمنی هستند. و ما حریف آن نیستیم.

ما دائماً به کمک خدا نیاز داریم. و دلیل او این است که در این صورت من بی‌عیب و نقص خواهم بود تا در کمال و بی‌گناهی از گناه بزرگ باقی بمانم. و سوال این است که گناه بزرگ چیست؟ و من فکر می‌کنم کلمه پاشا به معنای شورش، شورش علیه حکومت خداست.

و این به معنای شکستن ایمان با اوست. هر کسی که مرتکب پاشا می‌شود، صرفاً علیه یهوه شورش یا اعتراض نمی‌کند، بلکه از او جدا می‌شود. و بنابراین، چیزی که او می‌خواهد این است که نگذار رابطه‌ام را با تو قطع کنم.

ما را از ارتداد دور نگه دار. نتیجه‌گیری او این است: باشد که این سخنان دهانم، تفکر قلب من، در نظر تو پسندیده باشد، ای پروردگار، ای صخره من و نجات دهنده من. و من پیشنهاد می‌کنم که این تشریفات دربار سلطنتی است که از پادشاه درخواست لطف و پذیرش می‌کند تا خدا دعای او را بپذیرد.

و این سخنان دهان او، این سخنان در ستایش آسمان‌ها برای مسیحیان است که ستایش مسیح خالق خواهد بود. و این ستایش تورات خواهد بود که امروزه در عهد جدید بیان شده است. سپس او از خدا به عنوان ناجی من یاد می‌کند.

به عبارت دیگر، این قانون‌گرایی نیست. او به تنهایی برای حفظ قانون تلاش نمی‌کند. او کاملاً به خدا وابسته است.

و او از خدا می‌خواهد که او را از مردان گستاخ دور نگه دارد. و از خدا می‌خواهد که صخره و نجات‌دهنده‌ی او باشد. صخره، صخره‌ی نجات است، صخره‌ی محافظت.

و او واقعاً به خدا متکی است که از او محافظت و نگهداری خواهد کرد. او صرفاً نمی‌گوید که «این کلام خداست و من قرار است آن را انجام دهم». او می‌داند که نمی‌تواند.

بنابراین، او یک درخواست‌کننده است. و در پایان پیشنهاد می‌کنم که سخنان او مورد لطف قرار گرفت سخنان دهان او مورد لطف قرار گرفت زیرا در مجموعه کتب مقدس پذیرفته شدند. و خدا از دعای او خشنود شد.

من مدام آخرین مصرع دعای ربانی را می‌شنوم، که نکته‌ی بسیار مشکل‌سازی است. این ما را به سمت وسوسه هدایت نمی‌کند. خب، خدا ما را وسوسه نمی‌کند، اما ما را آزمایش می‌کند، اما ما را از شر رهایی می‌دهد.

آنها شیطان هستند. من از خودم می‌پرسم، آیا عیسی به ما یاد می‌دهد که همان دعایی را که داوود اینجا می‌کند، بخوانیم؟ این دعاها ما را از ارتداد باز می‌دارد، ما را از برخورد با شیطان که خودمان نمی‌توانیم با او مقابله کنیم، باز می‌دارد. بله.

فکر می‌کنم من هم با این مشکل مواجه بوده‌ام، اما فکر می‌کنم این مزمور به من کمک کرده تا آن را درک کنم. اینکه ما می‌گوییم نمی‌توانیم از پشش برآییم. ما را حتی از وسوسه دور نگه دارد، زیرا ما ضعف خود را تشخیص می‌دهیم.

ما را هدایت نکن، ما نمی‌توانیم از عهده‌اش برآییم. فکر می‌کنم این یک دعای بسیار فروتنانه است. و ما می‌گوییم، پس من بی‌عیب و نقص و مبرا از گناه بزرگ خواهم بود.

گناه بزرگ، جدایی از خداست. این چیزی است که من فکر می‌کنم. که در الهیات مدرن ارتداد محسوب می‌شود، ما آن را ارتداد می‌نامیم.

پس، نگذار برای همیشه از تو جدا شوم، چون نمی‌توانم با قدرت خودم ادامه دهم و به محافظت خدا نیاز دارم. خب، فکر می‌کنم این یک دعاست. بله.

اینکه من نمی‌توانم این کار را انجام دهم. تو باید مرا نگه داری. او برای اینکه مانع انجام این کار شود به خدا وابسته است، چون می‌داند که من نمی‌توانم این کار را به تنهایی انجام دهم.

چون همه ما مستعد سرگردانی هستیم. بله. بنابراین، فکر می‌کنم این به ما بینش می‌دهد.

من هم قبلاً از این موضوع ناراحت بودم. خدا ما را به سمت وسوسه و از این قبیل چیزها نمی‌برد، اما دعا می‌کنم که نتوانم از پشش بریایم. پس خدایا، من خودم را می‌شناسم و می‌دانم چقدر گناهکارم، و مرا در شرایط اشتباهی قرار داده‌ای.

شاید من مرتکب گناه خطای بزرگ شده باشم. وقتی از دبیرستان فارغ‌التحصیل شدم، بورسیه‌ای در یک دانشگاه آزاد به من پیشنهاد شد و من آن را رد کردم چون فکر نمی‌کردم بتوانم از پشش بریایم. خیلی جوان بودم و می‌ترسیدم.

من مزمو را نمی‌دانستم. اما به طور غریزی، می‌ترسیدم که به خاطر اینکه نمی‌توانستم به اساتید پاسخ دهم، گناهکار گناه کبیره باشم.

این دکتر بروس والتکه در حال تدریس در مورد کتاب مزامیر است. این جلسه ۲۷، ژانر مزامیر حکمت مزمو ۱۹ است.